



<http://www.arianafghanistan.com>



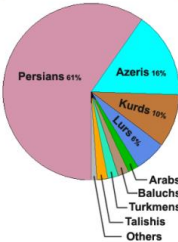
۲۰۱۹/۰۵/۰۵

میر عبدالرحیم عزیز

تعصبات مذهبی - نژادی - قومی در نظام فاسد آخندی ایران نگاهی به شوونیزم فارس

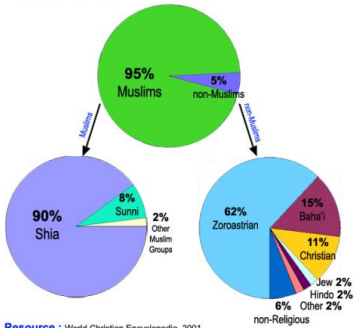


بخش اول

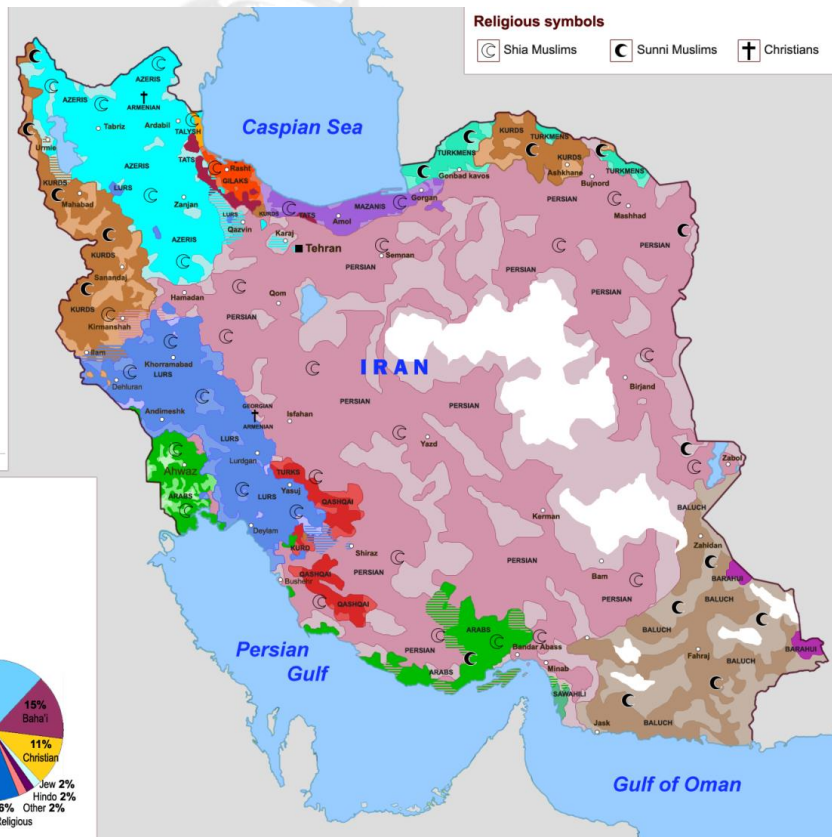


Resource : CIA - The World Factbook

Religious of Iran



Resource : World Christian Encyclopedia, 2001



جمعیت شناسی ایران: ویکی پدیا

عُمال ایران در افغانستان خواه قبیای مذهبی دارند و خواه تحصیلی، خواه ملاء اند و خواه وزیر و سفیر همه در دفاع از نظام فاسد آخندی برخاسته اند. این شرف باختگان تاریخ روی عقده ها مذهبی و یا قومی تبلیغ "خوبی" های ولایت فقیه ایران را می نمایند که در ذات خود فاقد همه صفات عالیة انسانی است. نظام آخندی در آتش تعصبات مذهبی و نژادی و قومی میسوزد و وقعی به حقوق بشری سایر اقلیت های مذهبی و قومی قایل نمی شود. این نظام سیاه اندیش با کذب و ریا و بزرگمنشی مبتذل که از نظام پهلوی به ارث برده و آن را در خورد مزدوران خود در افغانستان میدهد، با مصرف و تادیة پول فراوان، به پیروانش دستور میدهد که به نفع طرح عظمت طلبانۀ ایران تبلیغ نموده و افغانستان را کوچک و حقیر جلوه دهند.

نظام آخندی ایران مانند پاکستان به قدر کافی در افغانستان جاسوس و دست پرورده دارد که بدون هراس فعالیت می کنند و گفتار می نمایند. رمضان بشر دوست یکی از وکلای "شریف" شورای دولت مستعمراتی کابل به تاریخ اول جنوری سال ۲۰۱۲ به پروگرام دری صدای آلمان چنین گفت:

مشکل افغانستان این است که برخی از سران سیاسی کابل را قبله سیاسی شان نمی دانند بلکه از تهران، اسلام آباد و کشورهای دیگر پیروی می نمایند. تنها افراد بی دست و پا و کم پول به وطن فروشی متهم می شوند؛ اما آنهایی که در کابینه هستند و جاسوسی می کنند، مجازات نمی شوند. کسانی که واقعاً برای کشورهای خارجی کار می کنند، دارای قصر و لنگرورز هستند. طرف آنها کسی چه نگاه کرده نمی تواند. خود کرزی به زبان خود گفت که دو جاسوس در کابینه اش وجود دارد، اما تا امروز خارنوالان و امنیت ملی ما کر هستند. نتیجه این وضعیت چنان است که افغانستان از بی ثباتی، عدم تعهد، نفاق گسترده قومی و دامن زدن به تشنجات مذهبی رنج می برد و این حاصل همه مسامحه حکومت در برابر جاسوسان ایران و پاکستان است.

یکی از سازمان های نظام فاسد آخندی ایران که در افغانستان جاسوس پرورش میدهد "کمیته امداد امام خمینی" است که ظاهراً یک بنیاد خیریه عادی پنداشته میشود و به تعبیر خود شان کمک های "انسانی" در اختیار ساکنان مناطق محروم افغانستان می گذارد، اما واقعیت چیزی دیگر است:

این کمیته توظیف شده است که شیوه ها و تاکتیک های متفاوتی را به کار ببندد تا مرام سیاسی و عقیدتی نظام آخندی ایران را در عمل پیاده کند که همانا تضعیف افغانستان، توسعه نفوذ ایران و دامن زدن اختلافات قومی، زبانی و مذهبی و سرانجام تحزیه افغانستان است. باوجودیکه ایران از فشار و تعزیرات شدید اقتصادی رنج می کشد و مردم بدبخت آن در حالت گدائی به سر میبرند، کمیته امداد خمینی سالانه صد ها میلیون ها دالر پول مردم ایران را صرف ترویج تروریسم و اعمال ضد بشری و جنایات خود در افغانستان و سایر کشور ها شرق میانه می نماید. یکی از وظایف عُمال ایران در افغانستان خوب جلوه دادن چهره ضد انسانی نظام شیطانی آخندی ایران بوده که گویا ولایت فقیه ایران در همه جهات بهتر نسبت به افغانستان است. عُمال ایران می کوشند که موجودیت افغانستان را به نفع ایران زیر سوال ببرند. نشرات و سایت های انترنیتی که از پول نظام آخندی (در واقعیت پول مردم ایران) تمویل میشوند، در دامن زدن نفاق قومی و مذهبی سخت کوشا اند. تهران بوجی های پول را در اختیار رئیس جمهور و وزرای افغانستان قرار میدهد تا جواسیس ایران را در افغانستان اذیت نکنند و عمال این کشور را در پست های حساس مانند وزارت اطلاعات و کلتور و رادیو و تلویزیون تعیین نمایند.

پس بهتر است که مشاهده کنیم که آیا نظام آخندی در داخل ایران چه اندازه در مقابل مردم خود بالاخص اقلیت های مذهبی و قومی روش انسانی دارد که مزدورانش در افغانستان به آن می بالند.

تعصبات مذهبی:

نظام فاسد آخندی ایران مظالم بیشماری را بر اقلیت های مذهبی روا میدارد. فردی و یا گروهی که تابع دساتیر شیعه دوازده امامی نظام آخندی نیست، ملعون شمرده میشود. فشار ضد انسانی نظام آخندی بیشتر بر یهودیان، بهائیان، زردشتیان و سنی مذهبان تحمیل میشود. خمینی ها بهائیان را "نجس" خطاب می نمایند و زردشتیان را بدون وقفه اذیت می نمایند. زمانیکه من در دفتر خدمات اجتماعی شهر الکسندریه در ایالت ورجینیا مصروف کار بودم و پروگرام پناه گزینان را پیش می بردم، تعداد زیادی از پناه گزینان بهائی و زردشتی ایران نردم می آمدند و تقاضای کمک می نمودند. در جریان صحبت، آنها از گفتار و کردار، اعمال زشت و ظلم و ستم نظام آخندی که بر ایشان روا میداشت، قصه های میکردند که مو بر اندام انسان استاد میشد. همین خشونت و کردار ضد بشری نظام شیطانای آخندی است که اقلیت های ایران به سرعت از ایران فرار می کنند تا خود را از شر و مظالم ولایت فقیه نجات دهند.

به تعقیب به اصطلاح پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ مطابق ۱۳۵۷ هجری شمسی، افراد و گروه متعصب و تاریک اندیشی که وظیفه ایجاد دولت آخندی را در ایران به عهده گرفتند، نظام سیاسی جدید را بر پایه هویت دینی شیعه و برتری طلبی قوم فارس بناء نهادند. در نتیجه این گرایش مذهبی و قومی در ایران، یک نظام متعصب شیعه اسلامی بر مبنای شوونیسم فارس پا بر عرصه وجود گذاشت. باوجودیکه همه اقشار اجتماعی و مذهبی در برانداختن نظام شاهی ایران سهیم بودند، لکن بعد از اینکه متعصبین مذهبی شیعه با فریب و شعار های کاذب زمام امور را در دست گرفتند بقیه گروه های اجتماعی و مذهبی را از صحنه سیاسی حذف کردند. طبق احصائیه های مختلف، شیعیان تقریباً ۸۷ فیصد نفوس ایران را تشکیل میدهند. سنی ها ۱۰ فیصد و ۳ فیصد دیگر شامل بهائیان، زردشتیان، یهودیان و مسیحیان میشود. قدرت سیاسی و مؤسسات تولیدی و مالی همه در دست "شیعیان فارس" قرار دارد. برای اقلیت های مذهبی کمتر فرصت تبارز سیاسی و اقتصادی داده میشود. البته نظام آخندی مانند سایر نظام های استعماری در جهان که بر مبنای مکر و فریب عمل می کنند، در قانون اساسی خود از احترام به حقوق اقلیت ها ذکری کرده است، اما در ساحة عمل کمترین ارزشی به حقوق اقلیت های قایل نیست.

نظام فاسد و شیطانای آخندی در بیرون از ایران هم فعالیت سری ضد انسانی دارد تا مردم سایر کشور ها بخصوص شرق میانه را به سوی ایران بکشاند. با استفاده از حالت بد سوریه و جنگ داخلی درین کشور، مبلغین مذهبی ایران داخل صحنه شده و فعالیت وسیع مذهبی را به راه انداختند. علویان سوری به بشر اسد شکایت کردند که "ملاء های ایران میخواهند مساجد ما را به مساجد شیعه دوازده امامی تبدیل نمایند و ایران را پیشوای شیعیان جهان معرفی بدارند". همان بود که بشر اسد با زرنگی توانست پای روسیه را در تیاتر نظامی و سیاسی سوریه داخل نماید تا از یکسو پیروزی نظامی اش بر گروه های تروریستی مورد حمایت غرب تثبیت گردد و از سوی دیگر دست بالای ایران را در سوریه تضعیف نماید. تا زمان آمدن روسیه، ایران یکه تاز میدان سوریه بود که به اثر آن سازمان قدس همراه با مذهبیون شیعه دوازده امامی اسب خود را چهار نعل میدوادند.

سنی های ایران که تقریباً ۱۸ میلیون نفوس ایران را تشکیل می‌دهند، سخت زیر فشار اند و نمی‌توانند آزادانه مراسم مذهبی خود را به جا آورند. سنی ها حق ندارند که رئیس جمهور شوند زیرا این پست مختص شیعیان فارس است. سنی بودن در ایران درد آور و رنج دهنده است. سنی مذهبیان هراس دارند که خود را سنی اعلام بدارند. نظام آخندی از اسمای "عمر" و "ابوبکر" و سایر نام های سنی مذهبیان نفرت دارد. تعصب علیه سنی ها مؤسسه شده است. ماده ۱۱۵ قانون اساسی ایران به صراحت بیان میدارد که تنها یک شیعه مذهب میتواند رئیس جمهور ایران انتخاب گردد. سنی ها همچنان حق ندارند که در کدر های عالی دولتی و مذهبی شامل گردند.

نظام شوونیستی آخندی ایران از میان پناه گزینان مردم هزاره و شیعه افغانستان، حزب الهی ها را تربیه نموده و به افغانستان فرستاده است که در صورت لزوم و بنا بر هدایت تهران به اقدامات وسیع تخریبی و تروریستی دست زده تا زمینه را برای مداخلات غیر مشروع ایران در افغانستان تأمین نمایند. درین اواخر، نظام شیطانی و ضد بشری ایران، افراد و گروه فاطمیون را که متشکل از افغان های مهاجر است که از آنها در سوریه استفاده نامشروع نموده، به افغانستان فرستاده است که اکنون تحت هبری ارشدالخانین محمد محقق معاون عبدالله عبدالله فعالیت می‌کنند. این گروه توظیف شده است که در روز میادا و به امر تهران در افغانستان آشوب برپا نموده و نظم و ثبات را در این کشور برهم بزنند.

پس مشاهده می‌نماییم که چطور نظام ضد بشری آخندی ایران در صدد بی‌هویت ساختن اقلیت ها در داخل و در پی بی‌ثبات ساختن کشور های دیگر است که منافع مذهبی و سیاسی ایران را تأمین و تثبیت نماید.

تبعیضات نژادی و قومی:

کمیتة ناظر بر رفع تبعیض نژادی سازمان ملل متحد در گزارشات خود از وضع نا هنجار اقوام و نژاد های مختلف در ایران انتقاد کرده است. محققان امور ایران به این عقیده رسیده اند که نظر به روش و رهنمائی نظام آخندی در ۴۰ سال اخیر، تبعیضات مذهبی و قومی و نژادی در ایران مختص دولت و حکومت نبوده، بلکه برخورد های تبعیض آمیز در بطن جامعه ایران مؤسسه شده و در بسیاری از موارد افراد تبعیض کننده لاشعوری متوصل به چنین کردار و گفتار ضد بشری میشوند.

قانون اساسی نظام شیطانی آخندی ایران که در روز های اول تأسیس این نظام قرون وسطائی مرعی الاجرا گردید، بر مبنای افکار نژاد پرستانه و برتری جویانه نژاد و قوم فارس علیه سایر مذاهب و اقوام بناء شده است. در خلال مدت ۴۰ سال که از عمر شوونیسم نظام آخندی میگردد، مواد ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی رژیم سفاک ایران مبنی بر آموزش زبان ها قومی اصلاً به مرحله تطبیق قرار نگرفته است. نظام آخندی همیشه ادعا دارد که "ما عدالت اجتماعی را در ایران برقرار ساخته و به حقوق اقلیت ها احترام میگذاریم". حرف تا عمل فرق دارد. عملکرد نظام شوونیستی آخندی بر مبنای تسلط کامل فارس ها بر کلیه جهات زندگی سایر مردم ایران است و اقلیت ها حق ندارند که صدای خود را بلند نمایند. نظام آخندی هر کسی را که برای حقش مجادله میکند، جاسوس اجنبی معرفی میدارد که حد اکثر مجازات مرگ را در بر دارد. اکثراً هم از ترس اینکه برچسب جاسوسی و اجنت اجنبی بر آنها نخورد، صدای خود را نمی‌کشند. در مجموع اقلیت ها از کمترین حقوق انسانی برخوردار نیستند.

بر طبق قانون اساسی نظام فاسد آخندی، فارسی زبان رسمی بوده و رژیم عمداً روش نابودی فرهنگ و زبان های مردم غیر فارس را در پیش گرفته است. زبان مهمترین وسیله برای تکلم و تفاهم میان بشر است که باید هر فرد و گروه به نشو و نمای زبان خویش کوشا باشد، اما در ایران اقلیت های این کشور از آموزش زبان و فرهنگ خود محروم اند. تعجب اینکه، مزدوران

ایران در افغانستان هم می‌خواهند همان روش باداران ایرانی خود را در عمل پیاده نموده و فرهنگ فارس را بر دیگران حاکم سازند. اقلیت‌های ایران مانند کردها، بلوچها، ترکمنها و اعراب از آموزش زبان‌های خود به صورت آکادمیک محروم شده‌اند و نظام نمی‌گذارد که به زبان مادری خویش درس بخوانند و آموزش ببینند. اگر این رویه شوونیستی نیست، پس چه است؟ روش نژادپرستانه نظام آخندی را میتوان در سایر جا هم مشاهده کرد. نظام فاسد آخندی به سیاست ترویج فرهنگ فارسی از طریق شبکه‌های تلویزیونی، اخبار، مجلات و سایت‌های اینترنتی و سایر شاخه‌های مطبوعاتی وابسته به خمینیسم در فعالیت‌اند، ولی در مقابل، مردم اقوام غیر فارس از داشتن مطبوعات آزاد برای ترویج و تشویق فرهنگ اجدادی خود محروم‌اند. قابل‌یادآوری است که خود نظام اداره شبکه‌های تلویزیونی و مجلات و اخبارهای متعدد را برای ایجاد تفرقه و فتنه در کشورهای شرق میانه و افغانستان در دست دارد و درین راه میلیون‌ها دالر مصرف می‌نماید. امروز اکثریت عظیم مردم غیرفارس ایران توانائی خواندن و نوشتن به زبان‌های مادری خود را نداشته و نظام فاسد آخندی عملاً جلو رشد فرهنگ اقلیت‌ها را گرفته است. جالب اینکه مزدوران ایران در افغانستان از یکسو از عدالت اجتماعی و مساوات حرف می‌زنند، اما از سوی دیگر مانند نظام آخندی سایر زبان‌ها و فرهنگ را به باد تمسخر می‌گیرند.

نظام فاسد آخندی بر مبنای شوونیسم فارس، تاریخ قوم فارس و آموزش آن را بر همه مردم ایران خصوصاً اقلیت‌ها تحمیل می‌کند و اجازه تدریس تاریخ سایر مردم و اقوام ایران را نمیدهد. اقلیت‌های کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و دیگران از آموزش و حتا آشنائی با تاریخ خود محروم‌اند و به عوض تاریخ جعلی وحشیانه‌ی هخامنشی و ساسانیان را اجباراً می‌آموزند. تخریب شخصیت‌های غیر فارس به سرعت ادامه دارد تا مردم نتوانند بر محور افراد تاریخی خویش گرد هم آیند. قهرمان کسی است که از فارس باشد. این مرض توسط عمال ایران به افغانستان هم آورده شده است که به اساس آن قهرمان پرستی‌های تهوع‌آور ترویج و تبلیغ میشود. خوشبختانه که اقلیت‌های مهاجر ایران با استفاده از آزادی‌های مطبوعاتی کشورهای خارجی توانسته‌اند که از هویت فرهنگی خود دفاع نموده و قسماً تبلیغات ضد اقلیت‌های نظام آخندی را خنثی نمایند. عین روش مبارزاتی در داخل افغانستان و هم در بیرون از کشور دنبال شده و میهن‌دوستان توانسته‌اند که گفتار و کردار تجزیه‌طلبانه عمال ایران را به منظور تحکیم وحدت ملی و یک پارچگی خاک کشور به ناکامی مواجه سازند.

نظام فاسد ولایت فقیه ایران، پالیسی اعدام، تبعید و روش‌های خفقان‌آوری برای مبارزان راه آزادی و حقوق بشری مردم غیر فارس به کار برده تا بدینوسیله بتواند جلو بیداری و رشد فکری اقلیت‌ها را بگیرد و ندای آزادی‌خواهی آنها را در گلو خفه نماید. نظام برای اعمال سیاست زور و فشار از سازمان تروریستی "سپاه پاسداران" و دستگاه‌های استخباراتی استفاده می‌کند. "سپاه پاسداران" وظیفه دارد که مخالفان ولایت فقیه را شناسائی نموده و آنها را بدون طی مراحل قانونی از صحنه بردارد. اعمال فشار بالاخص در مناطق بلوچستان، کردستان و احوال به نحوی وحشتناکی تطبیق میشود. "سپاه پاسداران" با دست بالا در این مناطق عمل می‌نمایند و می‌زنند و می‌کشند.

نژادپرستی بر مبنای قوم و مذهب در سیستم سیاسی ولایت فقیه ایران دقیقاً طرح ریزی شده است که هدف نهایی آن خلق اختناق در داخل و ایجاد فتنه مذهبی بین شیعه و سنی در افغانستان و شرق میانه است. نظام فاسد آخندی می‌خواهد که از گروه‌های مورد حمایت ایران درین کشورها برای فعالیت استخباراتی خود، ستون پنجم بسازد تا راه را برای تسلط فرهنگی و سیاسی ایران باز سازند.

نظام فاسد آخندی دو روش را در جهت اجرای سیاست‌های قوم‌پرستانه و نژادپرستانه خود علیه اقلیت‌های غیر فارس به کار می‌برد: اول، استفاده ابزاری از مذهب شیعه و ارسال مبلغین متعصب شیعه به مناطق مورد نظر در ایران تا فکر و دماغ مردم را تحت بازرسی دائمی داشته باشند. دوم، حفظ ریاست جمهوری در دست افراطیون پیرو عقیده شوونیسم فارس بزرگ که برای تحت فشار قرار دادن و محکوم ساختن اقلیت‌ها بکار برده میشود. این طرز کار در سالیان اول استقرار نظام ولایت

فقیه موفقیت هائی به همراه داشت، اما اکنون نسبت بیداری و رشد فکری اقلیت ها، روش تبعیضی نظام فاسد آخندی در حالت شکست بوده و رویه ضد انسانی اش روز به روز رسوا شده و بی اعتبار میگردد. درین جا تأکید می نمایم که مردم ما باید هشیاری خود را از دست ندهند و در مقابل عمال ایران که هدف شان تجزیه و نابودی افغانستان است استادگی نمایند. همه مردم شریف و با وجدان ما وجبیه دارند که هویت ضد ملی مزدوران شرف باخته ایران را در هر سطحی که اند، افشاء نمایند و آنها را در پیشگاه تاریخ شرمسار سازند. من به فقدان مساوات و عدالت اجتماعی در افغانستان واقف و معترفم، ولی نظام فاسد آخندی ایران هرگز نمی تواند نماد و تجلی مساوات و عدالت برای مردم ما باشد.

در بخش دیگر، تعصبات مذهبی، نژادی و قومی را در پاکستان مورد بحث قرار خواهم داد.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

ادامه دارد